

ارائه مدلی برای تاثیر رهبری اخلاقی بر ظرفیت انطباق پذیری سازمانی مطالعه موردی: آموزش و پرورش شهرستان بناب

غلامرضا رحیمی^۱، فرهاد نژاد ایرانی^۲، اصغر اصغرزاده^۳

عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

دانشجوی دکترای مدیریت منابع انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب (نویسنده رابط)

(Email: asgharzadeh@bonabiau.ac.ir)

چکیده

رهبری اخلاق مدار یکی از سبک‌های رهبری است که در سازمان‌ها کاربرد زیادی دارد. اندیشمندان تعاریف گوناگونی از رهبری دارند که در همه‌ی این تعاریف، نفوذ اجتماعی عامل مشترک است، چرا که رهبری فرآیند نفوذ اجتماعی است که در آن رهبر در پی دستیابی به همکاری داوطلبانه‌ی پیروان است تا به اهداف سازمانی خود برسد و این پژوهش با هدف بررسی تأثیر رهبری اخلاقی بر ظرفیت انطباق پذیری سازمانی انجام شده است که از حیث هدف، یک تحقیق کاربردی و از نظر ماهیت، در زمره‌ی تحقیقات توصیفی است و به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی به فرجام رسیده است. برای این منظور عوامل موثر بر انطباق پذیری سازمانی در سه بعد بر اساس انصاف سازمانی، هدایت اخلاقی و شفافیت نقش تعیین گردیده است. جامعه آماری تحقیق حاضر، کارکنان آموزش و پرورش شهرستان بناب می‌باشد و حجم نمونه ۳۰۲ نفر برآورد شد. ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه بوده که پس از سنجش روایی و پایایی آن، در اختیار نمونه آماری قرار گرفت و برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از تحلیل عاملی تاییدی متغیرهای پژوهش توسط نرم افزار LISREL8.80 استفاده شده است. نتایج حاصل حاکی از تایید فرضیه‌ها بوده و بیانگر آن است توجه به عوامل هدایت اخلاقی شامل: انصاف سازمانی، هدایت اخلاقی و شفافیت نقش تأثیر مثبتی بر ظرفیت انطباق پذیری سازمانی دارد.

واژگان کلیدی: رهبری اخلاقی، انصاف سازمانی، هدایت اخلاقی، شفافیت نقش، انطباق پذیری سازمانی

۱- مقدمه

در جهان امروز تغییرات سریع است و انطباق موفقیت آمیز، بخشی مهم از موفقیت در عصر حاضر شمرده می‌شود (حاجی‌پور و مرادی، ۱۳۸۹). باتوجه به سرعت روزافزون تغییر و تحولات علمی، تکنولوژیک، اجتماعی و ...، امروزه سازمان‌هایی موفق و کارآمد محسوب می‌شوند که از ظرفیت انطباق‌پذیری سازمانی بالایی برخوردار باشند و ظرفیت انطباق‌پذیری سازمانی، توانایی سازمان‌ها در یادگیری مستمر و پاسخ‌دهی به تغییرات درون و بیرون سازمان است که نقش اساسی در کارایی و اثربخشی سازمانی دارد (استریکمن، ۲۰۰۵). هسته اصلی ظرفیت انطباق‌پذیری، نوآوری، تفکر سیستمی، یادگیری سازمانی، بینش مشترک، مشتری‌گرایی و ایجاد تغییر است (استریکمن و مارشود، ۲۰۱۰، ۵). در واقع، ظرفیت انطباق‌پذیری سازمانی عامل بقای سازمان است و مفهوم یادشده نقش اساسی در ارتقای عملکرد سازمانی دارد.

یکی از اصلی‌ترین دلایل توجه به ظرفیت انطباق‌پذیری در آموزش و پرورش شهرستان بناب بر این استوار است که اگر کارکنان سازمان مذکور در محیط کاری، از ظرفیت انطباق‌پذیری و سازگاری در مقابل نوآوری‌ها، تغییرات و ... برخوردار نباشند،

^۱ . Strichman and Marshood